

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی روایات در جواز تیمم

عرض کردیم این روایاتی که در باب تیمم وارد شده متعدد است، به یک اعتبار این روایات چهار طائفه است و دو نوع تعارض در این روایات وجود دارد، این چهار طائفه بر حسب آنچه که مرحوم والد ما رضوان الله تعالی علیه در جلد سوم کتاب الطهارة تفصیل الشریعه صفحه 342 تا 353 آوردند، ایشان آنجا فرمودند طائفه‌ی اولی ما دلالت علی الصحة مع التصريح بسعة الوقت مع الحكم بعدم لزوم الإعادة، روایاتی که دلالت دارد بر صحّت تیمم و تصریح به سعه‌ی وقت دارد و حکم به عدم لزوم اعاده‌ی نماز دارد، همین روایت موثقه‌ی ابی بصیر بود که خواندیم.

موثقه‌ی ابی بصیر از امام صادق سألنا ابا عبد الله عليه السلام عن رجل تيمم و صلى، تيمم کرده و نماز خوانده، ثم بلغ الماء، بعد به آب رسید، قبل أن يخرج الوقت فقال عليه السلام ليس عليه إعادة الصلاة، یعنی نمازش که اول وقت با تیمم خوانده ولو بعداً در وقت آب پیدا کرده صحیح است، طائفه‌ی دوم فرمودند ما تدلّ بالاطلاق على الصحة مع التصريح بعدم لزوم الإعادة، آنکه به اطلاق می‌گوید اگر در داخل وقت بود تیمم کرد و نماز خواند صحیح است و تصریح به عدم لزوم اعاده دارد، صحیح‌ه حلبی انه سأل ابا عبد الله عن الرجل إذا أجنب و لم يجد الماء، اگر جنب شود و آب پیدا نکرد، قال يتيمم بالصعيد فإذا وجد الماء فاليغسل و لا يعيد الصلاة، بعداً اگر آب پیدا کرد باید غسل کند ولی نمازش اعاده ندارد! این لم يجد الماء و يتيمم بالصعيد اطلاق دارد یعنی ولو اول وقت تیمم کند و هر وقتی إذا وجد الماء، یعنی ولو در داخل وقت، این باید غسل کند اما دیگر نمازش اعاده ندارد، این نکته را هم دقت کنید اعاده‌ی در این روایات در مقابل قضا نیست بلکه مراد اعاده‌ی لغوی است و اعم از قضا است.

طایفه‌ی سوم ما تدلّ على الصحة مع الأمر بالإعادة في الوقت عند ارتفاع العذر، یک روایاتی داریم صحیح‌ه عبد الله بن سنان که دلالت دارد بر اینکه اگر در وقت آب پیدا کرد اعاده کند. صحیح‌ه عبد الله بن سنان از امام صادق عن الرجل تصيبه الجنابة في الليلة الباردة و يخاف على نفسه التلف إن اغتسل، کسی جنب شده در شب سرد، اگر بخواهد غسل کند خوف تلفش هست، فقال عليه السلام يتيمم و يصلي فإذا أمن من البرد اغتسل و أعاد الصلاة، این ولو داخل وقت است، این هم اطلاقش دلالت دارد که در داخل وقت غسل کند اگر امن از برد پیدا کرد و نمازش را اعاده کند.

می‌فرمایند این سه طایفه در یک مطلبی مشترکند؛ طایفه‌ی اولی تصریح داشت بلغ الماء قبل أن يخرج الوقت آب را پیدا می‌کند قبل از اینکه وقت خارج شود، طایفه‌ی دوم و سوم اطلاقش می‌گوید اگر در داخل وقت بود. پس این سه طایفه دلالت بر این مطلب دارد که در داخل وقت، در سعه‌ی وقت تیمم مشروعیت دارد، در این مشترک است اما آن اولی و دومی می‌گوید اعاده

نمی‌خواهد سومی می‌گوید اعاده می‌خواهد. اینجا اگر ما بودیم و همین روایات، می‌گفتیم آن امر به اعاده در طایفه‌ی سوم را حمل بر استحباب می‌کنیم چون در اولی می‌گوید لیس علیه إعادة الصلاة، در دومی می‌گوید لا یعيد الصلاة، در سومی می‌گوید أعاد. این اعاد را باید حمل بر اعاده‌ی استحبابی کنیم.

عمده این طایفه‌ی چهارم است که تعارض دوم هم در اینجا است، طایفه چهارم روایاتی است که می‌گوید در سعه‌ی وقت حق گرفتن تیمم ندارید، البته نمی‌گوید حق گرفتن تیمم ندارید بلکه می‌گوید واجب است تیمم را تا آخر وقت به تأخیر بیندازید که در نتیجه بین این سه طایفه‌ای که الآن خواندیم و این طایفه‌ی چهارم این تعارض هم وجود دارد، این سه طایفه می‌گوید تیمم در همان اوّل وقت صحیح است، مشروع است، این طایفه‌ی چهارم می‌گوید واجب است شما تیمم را تأخیر بیندازید تا آخر وقت و در نتیجه مجموعاً در این روایات ما دو تا تعارض داریم، یکی بین آن لا یعيد و اعاد، که خیلی تکلیفش روشن است ما اعاد را باید حمل بر استحباب کنیم، اما این تعارض دوم که در آن سه طایفه‌ی اولی می‌گوید تیمم در اوّل وقت با سعه‌ی وقت مشروع است اما در طایفه‌ی چهارم می‌گوید واجب است تأخیر بیندازید تیمم را. یا دلالت بر وجوب تأخیر دارد و یا دلالت بر وجوب طلب آب دارد؛

دو تا روایت داریم یکی صحیحی محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته یقول محمد بن مسلم می‌گوید امام صادق می‌فرمود إذا لم تجد ماءً و أردت التیمم فأخّر التیمم إلى آخر الوقت، وقتی آب پیدا نکردی اراده‌ی تیمم کردی آخر التیمم إلى آخر الوقت، فإن فاتک الماء لم تفتک الأرض، در آخرش هم یک چیزی به منزله‌ی تعلیل آمده که می‌فرماید اگر بعداً آب از تو فوت شود زمین که از تو فوت نمی‌شود! یعنی بالأخره اینطور نیست که در آخر وقت نه آب داشته باشی و نه زمین باشد، اگر تا آخر وقت صبر کردی آب گیرت آمد وضو بگیر غسل بکند، اگر نه! بالأخره خاک که از دست نمی‌رود، این طهارت ترابیه را داشته باش.

عبارات این روایات را در ذهن‌تان داشته باشید؛

یکی هم صحیحی زراره است، إذا لم يجد المسافر الماء فليطلب، مسافر اگر آب پیدا نکرد نمی‌رود سریع تیمم کند، فليطلب ما دام فی الوقت مادامی که در وقت است باید طلب کند، فإذا خاف أن يفوته الوقت، اگر خوف این پیدا کند که وقت از او فوت شود فليتمم آن وقت تیمم کند وليصل فی آخر الوقت، آخر وقت نماز بخواند.

رفع تعارض روایات باب

اینجا باید چکار کرد؟ سه طایفه روایات که روایات زیادی هم هست، اینها دلالت دارند بر اینکه تیمم در اول وقت مع سعة الوقت صحیح است، یعنی آنها به دلالت التزامی دلالت بر عدم وجوب تأخیر دارد، این طایفه‌ی چهارم تصریح دارد به وجوب تأخیر تیمم. اینجا دو تا راه مجموعاً در کلمات بزرگان، اگر دقت کنیم می‌توانیم پیدا کنیم برای حل این تعارض. یک راه این است که بگوئیم مورد این طایفه‌ی چهارم جایی است که احتمال ارتفاع عذر وجود دارد، وقتی می‌گوید فليطلب طلب کجا معنا دارد؟ جایی است که آدم یقین به عدم ارتفاع ندارد، آنجایی که آدم یقین دارد اگر هم طلب کند آب پیدا نمی‌کند اینجا نمی‌گوید فليطلب. فليطلب موردش معنای طلب است و طلب در موردی است که آدم احتمال وجدان الماء را می‌دهد، احتمال می‌دهد آب پیدا کند، پس بگوئیم این طایفه‌ی چهارم به قرینه‌ی این فليطلب وجوب تأخیر تیمم در جایی است که احتمال وجدان الماء باشد و به این قرینه بگوئیم آن روایاتی که می‌گوید در اوّل وقت می‌شود تیمم کرد جایی است که مأیوس از وجدان الماء است.

بگوئیم آن روایاتی که می‌گوید در اول وقت انسان می‌تواند تیمم کند جایی است که علم دارد به عدم الارتفاع یا مأیوس از ارتفاع است، اما این روایاتی که می‌گوید تأخیر واجب است جایی است که احتمال ارتفاع العذر را می‌دهد. شاهدش کلمه‌ی فليطلب است. کلمه طلب، فحس در کجا معنا دارد؟ در جایی است که احتمال وجدان الماء باشد، جایی که یک کسی یقین دارد به اینکه

آب پیدا نمی‌کند، اینجا نمی‌گویند برو طلب کن آب را پیدا کن، ما بیائیم بگوئیم چون مورد روایات وجوب تأخیر در جایی است که احتمال وجدان الماء است به قرینه‌ی این روایات بگوئیم آن روایات طایفه‌ی اول، دوم و سوم را حمل کنیم بر جایی که مأیوس از ارتفاع العذر است، یا جایی که مسئله‌ی پرودت است مأیوس از ارتفاع پرودت است، مأیوس از وجدان الماء یا مأیوس از ارتفاع العذر و پرودت است.

یک نکته‌ای را باز بیان کنیم که دیروز هم اشاره کردیم؛ ما دو تا قول تفصیل قبلاً داشتیم، چون اقوال چهار تا بود، دو تا قول تفصیل بود: یک، التفصیل بین صورة العلم باستمرار العجز فیصح و عدمه فلا یصح، که همین که الآن خواندیم می‌شود بگوئیم آن روایات اول، دوم، سوم، طایفه اول، دوم، سوم مال جایی است که علم به استمرار عجز است، یعنی علم به بقاء عذر است، حالا که علم به بقاء عذر داریم اول وقت تیمم کن. آن وقت لازمه‌ی این تفصیل این است که می‌گوید اگر علم به استمرار عذر داری تیمم کن، در نتیجه در جایی که علم به ارتفاع به عذر دارد یا جایی که شک در ارتفاع دارد حق گرفتن تیمم ندارد.

تفصیل چهارم، التفصیل بین صورة العلم برفع العذر، یک عده‌ای گفتند اگر در اول وقت علم دارد به اینکه عذر برطرف می‌شود فلا یجوز، در نتیجه طبق این تفصیل دوم اگر کسی شک دارد می‌تواند تیمم کند. فرق بین تفصیل سوم و چهارم در همین فرض شک است، بنا بر تفصیل سوم کسی که شک دارد هم حق گرفتن تیمم ندارد، فقط کسی که یقین به بقاء العذر دارد می‌تواند تیمم کند. اما طبق تفصیل چهارم کسی که شک دارد در بقاء العذر می‌تواند تیمم کند.

خوب دقت کنید این تفصیل‌ها؛ حواشی عروه را هم که مراجعه کنید همین‌ها در آن وجود دارد، مثلاً حاشیه آقای بروجردی، الاظهر عدم جواز یعنی عدم جواز التیمم مع رجاء زوال العذر فی الوقت، با رجاء زوال عذر، یعنی کسی که امید دارد به اینکه این عذر برطرف بشود، اینکه مرحوم آقای بروجردی فرمودند کسی که امید دارد به اینکه عذرش برطرف شود حق ندارد تیمم کند. این بیانی که الآن برای این روایات گفتیم نمی‌تواند این را اثبات کند، این تفصیل می‌گوید در جایی که احتمال پیدا کردن می‌دهید واجب تأخیر، کجا تیمم مشروع است؟ جایی که مأیوس از زوال عذر باشی. جایی که مأیوس از زوال عذر هستی تیمم جایز است نه اینکه جایی که امید به زوال داری جایز نیست! باید بگوئیم الأقوی جواز التیمم مع الیأس عن زوال العذر، پس این تفصیلی که الآن آمدم بیان کردیم باید یک چنین حاشیه‌ای بر آن زده شود، مرحوم آقای خوئی قدس سره هم این تفصیل را دادند.

دیدگاه مرحوم خوئی و نقد آن

مرحوم آقای خوئی قدس سره در جلد 10 موسوعه‌شان صفحه 327 مجموعاً یک چنین نظری را دارند ولو عبارات ایشان اضطراب دارد، یک. ولو می‌فرمایند روایات طایفه‌ی اول، دوم و سوم فقط می‌گوید نماز با تیمم صحیح است اما در مقام بیان این نیست که تیمم در اول وقت باشد یا نباشد، که این اصلاً برخلاف این روایات با این توضیحی است که ما دادیم این مطالب در کلامشان محل مناقشه است اما می‌فرمایند فلیطلب ظهور در همین صورت احتمال وجدان ماء دارد و الا لا معنا للطلب و الفحص، به قرینه‌ی این فلیطلب باید طایفه‌ی اولی را حمل کنیم بر صورت یأس.

اینجا اولین اشکالی که مطرح می‌شود این است که این طایفه‌ی اولی اگر حمل بر صورت یأس کنیم می‌شود حمل مطلق بر فرد نادر، برای اینکه در روایات داشتیم تیمم و یصلی، رجل تیمم و صلی، بگوئیم این تیمم و صلی در جایی است که مأیوس بوده از اینکه آب پیدا کند، ثم بلغ الماء صدفةً، معمولاً مواردی که انسان مأیوس از پیدا کردن آب باشد خیلی نادر است و ما اگر بخواهیم به قرینه‌ی فلیطلب حمل بر این فرد کنیم حمل بر فرد نادر است. ایشان برای اینکه این اشکال را جواب بدهد می‌فرماید اصلاً اینجا ما مطلق نداریم تا حمل بر فرد نادر شود، مورد آن روایات این است، ما جوابمان این است که کجا مورد این روایات این است، این روایات یا اطلاق دارد، رجل تیمم و صلی، اجنب و لم یجد الماء، ندارد که اجنب و لم یجد الماء فعلاً! اینکه مأیوس است تا آخر وقت پیدا کند.

بنابراین درست است ما قبول می‌کنیم مورد روایات فلیطلب جایی است که احتمال وجدان ماء باشد اما این قسمت را نمی‌پذیریم که به قرینه‌ی این روایات ببائیم در آن روایات طایفه‌ی اولی تصرّف کنیم، حملش کنیم بر فرد نادر. بلکه می‌گوئیم یک راه جمع دومی هم وجود دارد و آن راه جمع دوم این است در صورتی که انسان احتمال وجدان ماء را می‌دهد تأخیر تیمم اولاست، آن روایات می‌گوید وظیفه ندارید، اما این روایاتی که می‌گوید آخر، امر را حمل بر استحباب می‌کنیم می‌گوئیم شارع می‌گوید آنجایی که احتمال وجدان ماء را می‌دهید اینجا بهتر این است که تیمم را تأخیر بیندازید. امام رضوان الله علیه در کتاب الطهارة همین راه را اختیار کردند و می‌فرمایند شاهد بر این مطلب ما این تعلیلی است که در روایت آمده، فإن فاتك الماء لم تفتك الأرض می‌فرماید این تعلیل ظهور در این دارد که امر به تأخیر برای احتمال وجدان ماء است و امکان تحصیل طهارت مائیه است که مصداق ارجح است و همچنین کلمه‌ی أردت در صحیح‌ی محمد بن مسلم داریم إذا لم تجد ماءً و أردت التيمم، می‌فرمایند این أردت هم یک مقدار ظهور در این دارد که این آدم بخواهد یک فرد بهتری را انجام بدهد، امام معصوم می‌فرماید بهتر این است که صبر کنی اگر آب پیدا کردی طهارت مائیه داشته باشی.

ما اگر این دو جمع را اولاً این جمع دوم سبب نمی‌شود که ما آن روایات طایفه‌ی اول، دوم و سوم را حمل بر فرد نادر کنیم، این یک. با آن جمع تعارض اول که گفتیم اعاده هم مستحب است سازگاری دارد، دو. اما یک نکته‌ی سومی هم که ما می‌خواهیم اضافه کنیم این است که واقعاً اگر چنین تفصیلی در نظر امام معصوم (ع) باشد نباید لاقلاً در روایتی این تفصیل را خود امام بیان کند؟ بفرماید إذا علمت یا رجوت زوال العذر، این يجب التأخير، اما اگر نه، لا يجب. این اصلاً در این روایات نیست. ما تازه در این روایات طایفه‌ی چهارم آن هم به قرینه‌ی فلیطلب داریم با زحمت می‌گوئیم موردش در جایی است که احتمال وجدان ماء داده می‌شود، آن هم قرینه‌ای که انسان بتواند بر او محکم بایستد نمی‌تواند باشد. ولی می‌خواهیم این را عرض کنم این یک نکته‌ی کلی است، باز هم از نکات اجتهادی است که به نظر من در فقه به این مطلب کمتر توجه شده، ما خیلی از تفصیلهای داریم بر خلاف روایات است، برخلاف ادله است، قول به تفصیل اگر واقعاً خود ائمه‌ی معصومین علیهم السلام نظرشان تفصیل بود این تفصیل را بیان می‌کردند، الآن طبق بیانی که ما دیروز و امروز گفتیم اطلاق آیه شریفه می‌گوید می‌تواند تیمم کند، سه طایفه‌ی روایات می‌گوید تیمم مع سعة الوقت مشروع است، یک طایفه روایات داریم که می‌گوید تیمم را تأخیر بیندازد، حمل بر استحباب می‌کنیم یک جمع عرفی بسیار روشنی است و موارد دیگری نظیر این دارد، اما ببائیم این را حمل کنیم بر صورة وجدان الماء، یعنی احتمال وجدان الماء، تمام آن روایات را حمل کنیم بر آنجایی که مأیوس از این است که آب پیدا کند، این جمع اصلاً جمع عرفی نیست با قطع نظر از اینکه این حمل مطلق بر فرد نادر می‌شود، با قطع نظر از این اشکال به نظر ما جمعی که ما می‌کنیم به تبع امام رضوان الله علیه این جمع می‌شود جمع عرفی.

ما اگر راه مرحوم آقای خوئی یا دیگرانی که این تفصیل را دادند طی کنیم دیگر مجالی برای آن مطلبی که ما گفتیم از این روایات استصحاب استقبالی استفاده می‌شود نیست، اگر بگوئیم آن روایات برای موردی است که علم به بقاء العذر دارد، این دیگر مجال نیست، اما اگر آمدم همین راه را اختیار کردیم باز مجال برای استصحاب استقبالی می‌شود. یک نکات جدیدی که انسان به آن دست پیدا می‌کند این جز فضل و لطف خدا نیست! این مسئله‌ی استصحاب استقبالی از روایات مسئله‌ی مهمی است، تا به حال هم واقع نشده، کسی هم تفوه به این نکرده ولی به نظر ما از همین روایات می‌شود استفاده کرد و چه بسا در فقه اگر باز هم تفحص کنیم این مسئله استصحاب استقبالی از روایات استفاده بشود.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين